



Pathology of Favorable Legal Protection of Mentally Retarded Victims in the Iranian Penal System (with Approach to International Documents and US Law)

Mehdi Davoodi¹, Hassan Haji Tabar Firoozjaei^{2*}, Mehdi Kazemi Joybari¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qaimshahr Branch, Qaimshahr, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Mentally handicapped victims are considered vulnerable groups in society due to the limitations caused by their mental and psychological disabilities, And the special attention of the criminal legislature, in order to place them under the banner of formal and substantive laws, is undeniable, and this is one of the pathological criteria for supporting this group in international documents. The purpose of this article is to pathologically explain the desirable legal protection of mentally retarded victims in the Iranian penal system by looking at international documents and American law.

Method: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The Iranian legislature, and specifically the criminal legislature, has not explicitly paid special attention to the mentally handicapped as special victims in need of protection, except in rare and scattered cases of criminalization and aggravation of punishment, However, in substantive and formal law, it has implicitly adopted its protectionist policies towards this vulnerable group.

Conclusion: Examining US law, it can be seen that the US legislature has been able to extend the rights of disabled victims to some extent by appointing sponsoring institutions and organizations through the protection of umbrellas.

Keywords: Legal Protection; Victims; the Mentally Handicapped; Legal System of Iran; Legal System of United States; International Instruments

Corresponding Author: Hassan Haji Tabar Firoozjaei; **Email:** hajitabar@yahoo.com

Received: December 12, 2021; **Accepted:** May 28, 2022; **Published Online:** October 29, 2022

Please cite this article as:

Davoodi M, Haji Tabar Firoozjaei H, Kazemi Joybari M. Pathology of Favorable Legal Protection of Mentally Retarded Victims in the Iranian Penal System (with Approach to International Documents and US Law). *Medical Law Journal*. 2022; 16(57): e60.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>

آسیب‌شناسی حمایت حقوقی مطلوب از بزهدیدگان ناتوان ذهنی در نظام کیفری ایران (با رویکردی به اسناد بین‌المللی و حقوق امریکا)

مهدی داودی^۱، حسن حاجی تبار فیروزجایی^{۲*}، مهدی کاظمی جویباری^۱

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بزهدیدگان ناتوان ذهنی به جهت محدودیت‌های ناشی از نقایص ذهنی و روانی مبتلابه، شامل گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه تلقی گردیده و توجه خاص مقنن کیفری، در جهت قراردادن ایشان، تحت لوای حمایت قوانین شکلی و ماهوی امری انکارناپذیر است و همین امر در اسناد بین‌المللی به عنوان یکی از ملاک‌های آسیب‌شناسانه برای حمایت از این گروه می‌باشد. هدف از مقاله پیش رو تبیین آسیب‌شناسانه حمایت حقوقی مطلوب از بزهدیدگان ناتوان ذهنی در نظام کیفری ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی و حقوق امریکا می‌باشد.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: قانونگذار ایران و مشخصاً مقنن کیفری به جز در موارد معدود و پراکنده جرم‌انگاری و تشدید مجازات، در مواد قانونی به صراحت توجه ویژه و رویه ضابطه‌مند به ناتوانان ذهنی به عنوان بزهدیدگان خاص و نیازمند حمایت پدیدار ناساخته، لکن در قوانین ماهوی و شکلی، سیاست‌های حمایتی خود را به صورت ضمنی در قبال این گروه آسیب‌پذیر اتخاذ نموده است.

نتیجه‌گیری: با مذاقه نظر در قوانین امریکا می‌توان یافت که مقنن این کشور با گستره چتر حمایتی، از رهگذر مقرر نمودن قوانین و مقررات ویژه، با تعیین نهادها و سازمان‌های حامی توانسته، حقوق بزهدیدگان ناتوان را تا حدودی گسترش دهد.

واژگان کلیدی: حمایت حقوقی؛ بزهدیدگان؛ ناتوانان ذهنی؛ نظام حقوقی ایران؛ نظام حقوقی امریکا؛ اسناد بین‌المللی

نویسنده مسئول: حسن حاجی تبار فیروزجایی؛ پست الکترونیک: hajitabar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Davoodi M, Haji Tabar Firoozjaei H, Kazemi Joybari M. Pathology of Favorable Legal Protection of Mentally Retarded Victims in the Iranian Penal System (with Approach to International Documents and US Law). Medical Law Journal. 2022; 16(57): e60.

مقدمه

یکی از رویکردهای علم جرم‌شناسی و از زیرمجموعه‌های آن بزهدیده‌شناسی حمایتی است که در علوم جنایی جایگاه و استقلال خود را به دست آورده است. با توجه به اینکه منطبق با فرآیند جهانی شدن این رویکرد مطالعاتی، جنبه بین‌المللی شدن آن سرعت گرفته، لذا این کار در عرصه سیاستگذاری‌های بین‌المللی به مرکز توجه و یکی از نگرانی‌های اساسی سیاست جنایی مبدل شده است. هدف بزهدیده‌شناسی حمایتی آن است که از آن گروه از بزهدیدگانی حمایت کند که نه تنها در به وجود آوردن جرم نقشی نداشته‌اند، بلکه دچار لطمات و آسیب‌هایی شده‌اند که بعضاً غیر قابل جبران هستند، اگرچه در موارد فراوان، قوانین جزایی ایران به حقوق بزهدیدگان توجه داشته، لکن این قوانین در رابطه با حمایت از بزهدیدگان خاص با چالش‌ها و خلأهای بسیاری مواجه بوده و مقنن با وضع قوانینی پراکنده، محققین حقوق جزایی را در فهم سیاست جنایی ایران در رابطه با بزهدیدگان خاص سرگردان نموده است (۱).

ناتوانان ذهنی شهروندانی هستند که همچون سایر اتباع ایرانی نه تنها باید از تمامی حقوق اساسی و عادی که پیش‌بینی شده، بهره‌مند گردند، بلکه به دلیل محرومیت و محدودیتی که این قشر خاص دارند، تدوین قوانین نسبت به آنان باید به گونه‌ای باشد که نقصان آن‌ها را جبران نماید. از طرف دیگر، بزهدیده شخصی است که با رویداد جرم آسیب و زیان می‌بیند و به عنوان یکی از کنشگران جرم، وقوع جرم را تحمل کرده و برخی از موقعیت‌ها و منابع را از دست داده و بی‌تردید علاوه بر احقاق حق، مستحق مساعدت بیشتری است، لذا تدارک تمهیدات در راستای تأمین امکاناتی که بزهدیده به منظور جبران خسارت وارده به آنان نیاز دارد، ضروری است. بدیهی است که بزهدیدگان ناتوان ذهنی، به دلیل آسیب‌پذیری، شایسته حمایتی خاص در نظام عدالت کیفری می‌باشند، چراکه عدم توجه به بزهدیدگی ناتوانان ذهنی، یأس، گوشه‌گیری، بزهدیدگی ثانویه و حتی رقم سیاه بزهدیدگی را نیز در پی خواهد داشت. همچنین ذکر این نکته ضروری است که علاوه

بر جرم‌انگاری که می‌تواند عنصری بازدارنده در قبال وقوع جرم علیه ناتوانان ذهنی باشد، از منظر جرم‌شناسی، یعنی چگونگی تعیین مجازات و لحاظ کردن کیفیات مشدده توأم با کیفر اصلی جرم برای مجازات مرتکبانی که با سوءاستفاده از خصیصه آسیب‌پذیری ناتوانان ذهنی، آنان را مورد بزهد قرار می‌دهند، می‌تواند متضمن تأمین اهداف مجازات و به ویژه هدف ترمیمی مجازات برای این طیف از مرتکبان باشد (۲). بنابراین با توجه به موارد معنونه، پرسش اساسی که در اینجا مطرح می‌باشد، این است که سیاست جنایی تقنینی در خصوص بزهدیدگان ناتوان ذهنی در حقوق ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی، چگونه است؟

در اینجا لازم است به چرایی انتخاب نظام حقوقی آمریکا اشاره‌ای داشته باشیم. نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، یک نظام حقوقی برپایه عرف (کامن‌لا) می‌باشد. از طرفی، یک چالش مهم در نظام حقوقی رومی - ژرمنی وجود دارد که همان عدم شناسایی نقاط ضعف و قوت قوانین در فضای عمل می‌باشد. همچنین هنجارهای بین‌المللی عموماً با تکیه بر هنجارهای عرفی طراحی و تصویب می‌شوند، در نتیجه بررسی تطبیقی نظام حقوقی آمریکا و اسناد بین‌المللی می‌تواند گام بسیار خوبی در جهت شناخت نقاط ضعف و قوت هنجارهای موجود در فضای عملی محسوب شود. علاوه بر این، در جهت ایجاد هم‌گامی و هم‌گرایی‌های بین‌المللی لازم است که مواضع حقوقی کشورهای دیگری که دارای نظام حقوقی متفاوت با ایران هستند، مورد توجه سیاستگذاران داخلی قرار گیرند.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از یکسو قانونگذار ایران و مشخصاً مقنن کیفری به جز در موارد معدود و پراکنده جرم‌انگاری و تشدید مجازات، در مواد قانونی به صراحت توجه ویژه و رویه ضابطه‌مند به ناتوانان ذهنی به عنوان بزهدیدگان خاص و نیازمند حمایت پدیدار نساخته، لکن در قوانین ماهوی و شکلی، سیاست‌های حمایتی خود را به صورت ضمنی در قبال این گروه آسیب‌پذیر اتخاذ نموده است و از سوی دیگر، قانونگذار ایالات متحده آمریکا با گستره چتر حمایتی، از رهگذر مقرر نمودن قوانین و مقررات ویژه، با تعیین نهادها و سازمان‌های حامی توانسته است، حقوق بزهدیدگان ناتوان را، تا حدودی گسترش دهد.

۱. **پیشینه تحقیق:** مقاله علیزاده تحت عنوان «بررسی تطبیقی حقوق بزهدیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی» که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، قانونگذار ایرانی با وجود شناسایی حق‌های نوین برای بزهدیده، هنوز هم با نارسایی‌هایی مانند عدم شناسایی صریح اشخاص حقوقی به عنوان بزهدیده، نادیده گرفتن حق داشتن وکیل تسخیری برای بزهدیده در مرحله تحقیقات، بهره‌مند نشدن بزهدیده از مراقبت و حمایت پزشکی و روانی مناسب، مد نظر قراردادن ابلاغات بسته و با لفاف به منظور مکتوم‌ماندن هویت و اسرار بزهدیدگان و فقدان ضمانت اجرای بایسته در قبال نقض حقوق پیش‌بینی‌شده برای آنان، رو به رو است، اما در مقابل، بزرگ‌ترین چالش پیش روی دیوان، عدم انسجام و تنسيق مشارکت فعال بزهدیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق و برخوردار نبودن آنان از ارشادات مناسب حقوقی است.

مقاله شاملو و بیژنی تحت عنوان «دادرسی ترافعی در پرتو بزهدیده‌شناسی اولیه در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی» که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، ترافعی بودن دادرسی به معنای اعطای فرصت و امکانات لازم از سوی مرجع قضایی به طرفین اختلاف جهت طرح ادعاها و دفاع از آنهاست که به موجب آن طرفین از ادعاها و ادله

طرف مقابل در جریان دادرسی آگاه شده و به دفاع در مقابل آنها می‌پردازد. اصل برابری سلاح‌ها در مقررات و اسناد بین‌المللی به طور خاص شامل متهم می‌شود و تا پیش از توجه جرم‌شناسان به حقوق بزهدیده، به حقوق وی در جریان دادرسی توجه نشده و جهت‌گیری این مقررات بیشتر ناظر به شخص متهم بوده است، اما تحت تأثیر دیدگاه‌های بزهدیده‌شناسی، نهادهای بین‌المللی نیز درصدد حمایت از بزهدیده و حقوق وی در جریان دادرسی برآمدند. از این رو نگرش دوسویه بزهدیده، دادستان به اصل تساوی سلاح‌ها تغییر یافت و در نهایت دامنه ترافعی بودن دادرسی علاوه بر حقوق متهم، به بزهدیده نیز توسعه یافت. قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ همگام با اسناد و قوانین بین‌المللی برای حمایت از بزهدیده و در راستای ترافعی کردن دادرسی، در مواد متعددی علاوه بر حقوق متهم، به حمایت از بزهدیده پرداخته است.

۲. **نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه:** همانطور که در قسمت پیشینه تحقیق مشاهده شد، اغلب پژوهش‌های موجود صرفاً بر محور بزهدیده‌شناسی متمرکز می‌باشند، در صورتی که پژوهش حاضر به صورت خاص و در قالب مطالعه تطبیقی، متمرکز بر بزهدیدگان ناتوان ذهنی می‌باشد.

۳. **اهمیت و ضرورت پژوهش:** بزهدیدگی ناتوان‌های ذهنی به واسطه بالابودن میزان آسیب‌پذیری آنها در جوامع مختلف افزایش یافته است. به تعبیری، با افزایش مصادیق بزهدیدگی، لزوم دخالت قانونگذاران و اتخاذ سیاست جنایی متناسب با وضعیت خاص ناتوان‌های ذهنی بیش از پیش نمایان می‌شود، زیرا رسالت اصلی عالم حقوق، تضمین حقوق و آزادی‌های مشروع همه تابعان و اعضای جامعه می‌باشد که یکی از اقشار آسیب‌پذیر و حساس هر جامعه‌ای، افراد ناتوان ذهنی می‌باشند.

۴. **محدودیت‌های پژوهش:** گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر در زمان گستردش ویروس کرنا و تعطیلی مراکز آموزشی و پژوهشی صورت گرفته است، در نتیجه نگارنده در جمع‌آوری اطلاعات با محدودیت‌هایی مواجه بوده است.

بحث

پس از شناخت مفاهیم کلیدی پژوهش در قسمت اول، به تبیین سیاست‌های بزهدیده‌شناسی خواهیم پرداخت.

۱- مفهوم‌شناسی: در ذیل مبحث پیش رو، نگارندگان به منظور درک دقیق و همه جانبه موضوع، به بیان مفاهیم اصلی و اساسی موضوع تحقیق می‌پردازند.

۱-۱. مفهوم بزهدیدگان ناتوان ذهنی در حقوق ایران: بزهدیدگان ناتوان یا آسیب‌پذیر، اشخاصی هستند که به هر نحوی توانایی محافظت از خود در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل دشمن را ندارند (۳). ناتوانی برای افراد ممکن است دائم یا موقت، آنی یا مستمر باشد. در واقع ناتوانی به شرایط جسمی یا ذهنی اطلاق می‌شود که فرد را از فعالیت‌های معمول روزانه بازمی‌دارد، با این تعریف بزهدیده ناتوان می‌تواند معلول ذهنی، کند ذهن، معلول جسمی حرکتی، نابینا یا ناشنوا باشد که با توجه به وضعیت بدنی یا روانی که دارد وی را در شرایط بزهدیدگی آسیب‌پذیر می‌کند (۴).

در معنایی دیگر، بزهدیدگان ناتوان اشخاصی هستند که به دلیل داشتن وضعیت و ویژگی خاص فردی و یا قرارگرفتن در موقعیت استثنایی، به طور دائمی یا موقت، از محافظت و مراقبت خویش در قبال سوءاستفاده‌ها و بهره‌کشی‌های گوناگون جسمی، روانی، عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و جنسی ناتوان بوده و نیازمند برخورداری از خدمات و تدابیر حمایتی ویژه هستند، به گونه‌ای که اگر این وضعیت و ویژگی در آن‌ها وجود نمی‌داشت و یا آن موقعیت برای آنان به وجود نمی‌آمد، یا بزهدیده واقع نمی‌شدند، احتمال بزهدیدگی و در معرض خطر قرارگرفتنشان کمتر می‌بود (۵).

دامنه تعاریف ناتوانی‌های ذهنی یا اختلال‌های روانی بسیار گسترده است، زیرا شامل طیف وسیعی از اختلال‌های روانی مانند عقب‌ماندگی ذهنی، جنون، اختلال‌های یادگیری، اختلال در مهارت‌های حرکتی، اختلال‌های ارتباطی، اختلال‌های اضطرابی، اختلال جنسی و ذهنی می‌گردد. به طور کلی، «ناتوانی ذهنی یا اختلال روانی» به معنی هرگونه اختلال یا ناتوانی کلی یا جزئی ذهنی است که مشکلاتی را به همراه

دارد، از قبیل اینکه بیمار توانایی زندگی کردن به طور مستقل را ندارد یا از محافظت خود در برابر بهره‌کشی شدید عاجز است و همچنین بروز رفتارهای غیر مسؤانه جدی و شدید از طرف بیمار (۵).

۱-۲. مفهوم ناتوان ذهنی در حقوق آمریکا: در مجموعه قوانین ایالات متحده اصطلاح ناتوانی ذهنی یا معلولیت ذهنی این‌گونه تعریف شده است:

۱- نقص یا عیبی که اساساً منجر به محدودیت فرد به انجام یک یا چند فعالیت عمده زندگی می‌شود؛

۲- نقص در فعالیت‌های عمده زندگی: - به طور کلی از جمله فعالیت‌های عمده زندگی که البته محدود به این چند مورد نمی‌شوند، شامل مراقبت از خود، انجام وظایف یدی، دیدن، شنیدن، خوردن، خوابیدن، راه‌رفتن، ایستادن، بلندکردن، خم شدن، صحبت کردن، نفس کشیدن، آموختن، خواندن، تمرکز کردن، فکر کردن، ارتباط برقرار کردن، کار کردن؛ - کارکردهای عمده‌ی بدن، به علاوه بخش اول، نقص فعالیت‌های عمده زندگی شامل کارکردهای عمده بدن نیز می‌شوند؛

۳- نقص در عملکرد سیستم ایمنی بدن، رشد طبیعی سلول‌های بدن، عملکرد سیستم گوارشی، روده، مثانه، سیستم عصبی، مغزی، تنفسی، گردش خون، غدد درون ریز و عملکرد دستگاه تولید مثل همگی مصداقی از ناتوانی ذهنی به شمار می‌آید (۶).

۲. گونه‌شناسی ناتوانان ذهنی در حقوق ایران و آمریکا

۲-۱. انواع و مصادیق ناتوان ذهنی در حقوق ایران: در حقوق ایران ناتوانان ذهنی یکی دیگر از انواع بزهدیدگان خاص می‌باشند که بر پایه ملاک‌های آسیب‌شناسانه مورد حمایت و بررسی قرار می‌گیرند. انواع و مصادیق ناتوانی ذهنی بر پایه هرگونه محدودیت یا فقدان در توانایی انجام فعالیت‌های در سطح طبیعی که از هر انسان سالمی انتظار می‌رود، می‌باشد. ناتوانی ذهنی هم ممکن است موقت یا دائمی، قابل برگشت یا غیر قابل برگشت، ثابت یا پیش رونده باشد (۷). در واقع ناتوانی ذهنی نتیجه و پیامد نقص در قوای دماغی فرد است و یک مفهوم نسبی تلقی می‌شود، چراکه در پاره‌ای از موارد، علیرغم

به طور ارثی به فرد ناتوان منتقل نمی‌شود و می‌تواند در اثر حوادث یا جهش در رشد ژنتیکی ایجاد شود (۱۰).

۲-۲-۳. اختلال یادگیری: نوعی از اختلالات است که در آن موفقیت تحصیلی فرد با توجه به سن، آموزش، هوش و بر اساس آزمون‌های معیار خواندن و نوشتن و محاسبه، از حد مورد انتظار بسیار پایین‌تر باشد. دلایل ناتوانی ذهنی در یادگیری به خوبی درک نشده است و گاهی اوقات دلیل مشخصی برای ناتوانی در یادگیری وجود ندارد. با این حال برخی از دلایل شامل مواردی است، از جمله وراثت و ژنتیک، مشکلات در دوران بارداری و تولد، حوادث پس از تولد و دیگر موارد.

۲-۲-۴. بیماری روانی: یک الگوی رفتاری یا ذهنی است که باعث پریشانی یا اختلال در عملکرد شخص می‌شود. چنین ویژگی‌هایی ممکن است ماندگار باشند، عود کنند، از بین بروند و یا به صورت یک اتفاق، به یک‌باره رخ بدهند. دلایل اختلالات روانی اغلب نامشخص است تئوری‌ها ممکن است یافته‌های طیف وسیعی از زمینه‌ها را دربر گیرند. اختلالات روانی معمولاً با آمیزه‌ای از چگونگی رفتار، احساس، درک و فکرکردن شخص تعریف می‌شود (۹).

۳. انواع خشونت علیه بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی در حقوق ایران و آمریکا: اصطلاح خشونت ملاک و معیار مشخصی ندارد. پندارها و برداشت‌ها در خصوص خشونت نه‌تنها میان جوامع گوناگون، بلکه میان گروه‌های مختلف هر جامعه در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون متفاوت می‌باشند. اکثر مردم خشونت را ایراد زورمندانه آسیب بدنی می‌پندارند. با این وجود در سال‌های گذشته تعریف خشونت به گستره آسیب‌های روانی و درد و رنج‌های عاطفی نیز کشانده شده است (۱۱). در ذیل نگارندگان به منظور درک دقیق موضوع، انواع خشونت علیه بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی را در حقوق ایران و آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهند.

۳-۱. خشونت علیه معلولین با محوریت خشونت علیه بزه‌دیده معلول ذهنی در حقوق ایران: در جامعه ما مفهوم معلولین ناتوان ذهنی هنوز مفهوم بسیار پیچیده‌ای است.

نقص نسبتاً شدید، ممکن است ناتوانی ذهنی به صورت خفیف نیز خودنمایی کند، مثلاً با وجود اقدامات و وسایل کمکی که انجام بسیاری از فعالیت‌های دور از انتظار را امکان‌پذیر می‌سازد، دامنه ناتوانی کاهش می‌یابد، لکن در حقوق ایران، تفاوتی میان ناتوانی ذهنی خفیف و شدید وجود ندارد (۸).

۲-۲. انواع و مصادیق ناتوان ذهنی در حقوق آمریکا: در حقوق کشور آمریکا، ناتوانان ذهنی دارای مصادیق مختلفی از جمله:

۲-۲-۱. ناتوانی رشدی: شامل گروه متنوعی از شرایط ادامه دار است که به دلیل نواقص روحی یا جسمی قبل از بزرگسالی ایجاد می‌شود. ناتوانی‌های رشدی باعث می‌شود که افراد مبتلا در برخی از مراحل زندگی دچار مشکلات زیادی شوند، به خصوص در زبان، تحرک، یادگیری، خودیاری و زندگی مستقل. ناتوانی‌های رشدی می‌تواند زود هنگام شناسایی شود و در طول عمر یک فرد ادامه یابد. شایع‌ترین ناتوانی‌های رشدی ذهنی در حقوق آمریکا عبارتند از: سندروم داون، کم‌توانی ذهنی، فلج مغزی، صرع، اسپینا بیفیدا، سندروم توره. علل به وجود آمدن ناتوانی رشدی متنوع است و در عمده موارد ناشناخته مانده است، حتی در موارد شناخته‌شده سبب‌شناسی مرز میان «علت» و «معلول» همیشه مشخص نیست و این امر منجر به مشکل در طبقه‌بندی دلایل می‌شود. عوامل ژنتیکی از دیرباز در ایجاد ناتوانی‌های رشدی نقش داشته‌اند، همین‌طور عامل محیطی نیز سهم بزرگی در ایجاد این شرایط به خود اختصاص می‌دهد و دیگر عوامل ریز و درشت، مشخص و نامشخص دخیل می‌باشند (۹).

۲-۲-۲. کم‌توانی ذهنی یا عقب‌ماندگی ذهنی: نوعی از اختلالات است که با عملکرد هوشی زیر حد طبیعی و اختلال در مهارت‌های انطباقی ارتباط دارد و تعیین می‌گردد. با ضریب هوشی زیر ۷۰ تعریف می‌شود به علاوه نقص در دو یا چند رفتار سازگار که بر زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد. در بین کودکان علت ناتوانی ذهنی برای یک‌سوم تا نیمی از موارد ناشناخته است. حدود ۵ درصد موارد از والدین به ارث می‌برند. در این تعبیر، نقص ژنتیکی باعث ناتوانی ذهنی می‌شود، لکن

بررسی‌های سال ۲۰۱۲ میلادی توسط شبکه اوتیسم تعاملی نشان می‌دهد ۶۳ درصد کودکان مبتلا به اوتیسم (ناتوان ذهنی) در ایالات متحده مورد آزار و اذیت از نوع قلدری قرار می‌گیرند (۱۴).

در یک نظرسنجی از سوی انجمن ملی اوتیسم ملی آمریکا، بیش از یک‌سوم از بزرگسالان اوتیسم گفتند که در کار خود مورد قلدری قرار گرفته‌اند. در ایالات متحده آمریکا ۸۲ درصد از کودکان مبتلا به اختلال ناتوانی در یادگیری، مورد قلدری قرار می‌گیرند و ۷۹ درصد از آن‌ها می‌ترسند در صورت خروج از خانه مورد آزار و اذیت قرار گیرند (۱۴).

۳-۲-۲. آزار جنسی علیه بزه‌دیده ناتوان ذهنی: به دلایل فراوان افراد معلول بیشتر در معرض سوءاستفاده جنسی قرار دارند، چراکه به احتمال کمتری حادثه پیش‌آمده را گزارش می‌دهند. بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی اغلب به دلیل پیش قضاوت‌ها در مورد معلولین جدی گرفته نمی‌شوند. برای مثال باورهایی مانند آنکه به افراد زشت تجاوز نمی‌شود. بر اساس مطالعات تنها ۳ درصد تجاوزهای صورت‌گرفته به معلولین ذهنی با ناتوانی رشدی گزارش شده، در حالی که ۹۰ درصد از معلولین ذهنی با ناتوانی رشدی در مقطعی از زندگی نوعی از آزار جنسی را تجربه می‌کنند (۱۵).

۳-۲-۳. قتل علیه بزه‌دیده ناتوان ذهنی: آزار معلولین ذهنی در سطح شدید می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم منجر به مرگ فرد شود، برای مثال در نوع شدید آن در کشور تانزانیا افراد مبتلا به زالی توسط به اصطلاح جادوگران برای اعضای بدنشان شکار می‌شوند. در ایالات متحده آمریکا پرورنده‌های فراوانی وجود دارد که پدر و مادر، فرزند معلول خود را به دلیل معلولیت ذهنی به قتل رسانده‌اند. گاهی پدر و مادر نیز خود را همراه با فرزند معلول به قتل می‌رسانند.

۳-۲-۴. اجحاف از حقوق قانونی در مورد بزه‌دیده ناتوان ذهنی: عدم تحصیلات، عدم اعتماد به نفس و مهارت‌های دفاع از خود، عدم درک هنجارهای اجتماعی و رفتارهای مناسب و مشکلات ارتباطی از عوامل مهمی هستند که معلولین ذهنی را در معرض خشونت‌های عدیده به خصوص

خشونت علیه معلولین ذهنی در شرایطی است که فرد معلول به دلیل ناتوانی از نظر جسمی، مالی، جنسی و یا روانی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. از آنجایی که بسیاری از ناتوانی‌ها قابل مشاهده نیست (به عنوان مثال، آسم، بیماری روانی یا ناتوانی در یادگیری)، فلذا برخی از بزه‌کاران نمی‌توانند معلول غیر جسمی نیازمند به درک و حمایت و... را تشخیص دهند (۱۲). افراد دارای ناتوانی در یادگیری یا معلولین ذهنی غالباً به طور واضح قادر به برقراری ارتباط نیستند یا نمی‌توانند جزئیات را آنطور که دیگران درک می‌کنند، توضیح دهند به همین دلیل حتی در صورت گزارش بزه‌کاری، کمتر باور می‌شوند و بزه‌دیدگی آن‌ها شدیدتر است. اغلب گونه‌های خشونت علیه ناتوانان ذهنی یا ناتوان آزاری ذهنی در حقوق ایران عبارتند از:

۳-۱-۱. ناتوان آزاری جسمی علیه ناتوانان ذهنی: به کارگیری هرگونه رفتار خشونت‌آمیز فیزیکی از سوی دیگران علیه فردی که دارای ضعف و ناتوانی ذهنی می‌باشد، یکی از معمول‌ترین مصادیق ناتوان آزاری اشخاص آسیب‌پذیر ذهنی در حقوق ایران می‌باشد.

۳-۱-۲. ناتوان آزاری روانی و عاطفی علیه ناتوانان ذهنی: این نوع مصداق ناتوان آزاری در حقوق ایران، هرگونه بدرفتاری عاطفی و روانی به شخص آسیب‌پذیر ذهنی را شامل می‌گردد که به رشد سلامت شناختی و روحی وی آسیب وارد نماید (۱۳).

۳-۱-۳. ناتوان آزاری ناشی از غفلت.

۳-۲. انواع خشونت علیه بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی در حقوق آمریکا: در حقوق ایالات متحده آمریکا خشونت علیه بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی در چندین حالت متصور می‌باشد که عبارتند از:

۳-۲-۱. قلدری یا زورگویی علیه بزه‌دیده ناتوان ذهنی: نوعی رفتار تهاجمی است که در آن فرد از بیشتر بودن قدرت خود جهت آزار، ارباب فرد یا افراد دیگر سوءاستفاده می‌کند. این حرکت اغلب مکرراً انجام می‌گیرد. بیش از یک نوع قلدری وجود دارد، از قبیل: قلدری کلامی، اجتماعی و فیزیکی.

۴-۱-۱-۱. حمایت از بزهدیدگان ناتوان ذهنی در قوانین

ماهوی ایران: حمایت از ناتوانان ذهنی در قوانین ماهوی ایران، اگرچه به صراحت مورد قانونگذاری قرار نگرفته، لکن مقنن به صورت ضمنی به حمایت از حقوق بزهدیدگان ناتوان ذهنی اشاره داشته است. برای نمونه، از بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باید نام برد که در آن «وضعیت خاص بزهدیده» از ملاک‌های آسیب‌شناختی در رکن مادی جرمی چون قتل، قطع یا جرح عضو بوده که در حکم عمد شناخته شده است، لذا همانطور که ملاحظه می‌گردد، قانونگذار در بند «پ» ماده فوق‌الذکر به حمایت کیفری از اشخاص با وضعیت خاص (که ناتوانی ذهنی را می‌توان مصداقی از این وضعیت دانست) دست زده که خود نقطه عطفی است، اما در رابطه با نوع حمایت باید گفت شکی نیست که حمایت کیفری افتراقی است، زیرا مقنن در بند «پ» ماده ۲۹۰، با لحاظ‌کردن و مؤثردانستن وضعیت خاص بزهدیده (مثل ناتوانی ذهنی) در عناصر جرم، امکان تحقق و اثبات عنوان قتل عمد را آسان‌تر نموده است، به طوری که در نظرگرفتن وضعیت خاص مجنی‌علیه، فی‌نفسه عامل مهمی است که در تحقق عنوان قتل عمدی تأثیر مستقیم دارد. لازم به ذکر است مقنن، با دخیل‌نمودن اثر این وضعیت، آن را نسبت به قتل عمد علیه بزهدیدگان متعارف، متمایز نموده، والا پرواضح است که قتل عمد در خصوص انسان‌های عادی نیز ممکن‌الوقوع است.

علاوه بر ماده فوق، ماده ۶۳۳ ق.م.ا نیز مصداق دیگری از حمایت قانونگذار از بزهدیدگان با وضعیت خاص است که مطابق آن، رهاکردن طفل یا شخص ناتوان، در محلی که خالی از سکنه باشد، جرم تلقی شده و روشن است که ناتوانان ذهنی، مصداق کسانی هستند که قادر به محافظت از خود نمی‌باشند.

از دیگر نمود و مصداق حمایت کیفری ماهوی از بزهدیدگان ناتوان ذهنی توسط مقنن ایران، جرم‌انگاری سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص، موضوع ماده ۵۹۶ ق.م.ا (بخش تعزیرات) می‌باشد. نشانه‌هایی چون عبارت‌های «ضعف نفس» یا «افراد

محروم‌کردنشان از حقوق قانونی و مدنی قرار می‌دهند. اجحاف قانونی سوء، اشاره به اقدامات حقوقی ناعادلانه یا نادرست دارد که با اهداف خودخواهانه یا بدخواهانه آغاز و شکل می‌گیرد (۱۶). این سوءاستفاده قانونی تقریباً می‌تواند از هر بخش سیستم حقوقی نشأت بگیرد، از جمله دعوی واهی و ایدایی بر علیه بزهدیده ناتوان ذهنی، سوءاستفاده در اجرای قانون، انتخاب وکلای بی‌کفایت یا فاسد برای فرد معلول ذهنی و دیگر موارد. اجحاف در قانون نه تنها مسبب بی‌عدالتی است، بلکه می‌تواند منجر به آسیب به سلامت جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی بیشتر نسبت به بزهدیده ناتوان ذهنی گردد.

۳-۲-۵. آزار روانی: که اغلب با نام آزار عاطفی یا احساسی خطاب می‌شود نوعی از آزار و اذیت‌ها است که توسط فردی که فرد دیگر را در معرض خطر یا رفتاری خاص قرار می‌دهد انجام می‌گیرد. این عمل ممکن است منجر به ترومای روانی، از جمله اضطراب، افسردگی مزمن و مشکلات دیگر ذهنی گردد (۱۷).

۴. حمایت از بزهدیدگان ناتوان ذهنی در پرتو قوانین و

سازمان‌ها در حقوق ایران و آمریکا: نگارندگان در مبحث پیش رو به تبیین حمایت از ناتوانان ذهنی در پرتو قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی پرداخته و سازمان‌ها و نهادهای حمایت‌کننده از حقوق ناتوانان ذهنی یا معلولین ذهنی را در حقوق ایران با رویکرد تطبیقی در حقوق آمریکا مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند داد.

۴-۱. حمایت از بزهدیدگان ناتوان ذهنی در پرتو قوانین

و مقررات در حقوق ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی: در ذیل قسمت حاضر، نگارندگان حمایت تقنینی از ناتوانان ذهنی را در قوانین و مقررات ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهند داد.

۴-۱-۱. بزهدیدگان ناتوان ذهنی و حمایت تقنینی از

آنان در قوانین ایران: در بند پیش رو، نگارندگان، حمایت تقنینی از ناتوانان ذهنی در قوانین ایران را در دو قسمت مجزا در قوانین ماهوی و شکلی تحلیل نموده‌اند.

ضروری به نظر می‌رسد. منتفی بودن قصاص در قتل مجنون (موضوع ماده ۳۰۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) را می‌توان از بارزترین موارد نابرابری میان بزهدکار عاقل و بزهدیده دارای ناتوانی ذهنی بیان نمود. با توجه به ماده فوق‌الذکر، یکی از شرایط قصاص این است که مجنی‌علیه یعنی کسی که جنایت بر او وارد آمده باید عاقل باشد. در غیر این صورت قاتل قصاص نمی‌شود، البته این به معنی مجازبودن قتل مجنون نیست. کشتن مجنون جرم است، اما قاتل قصاص نمی‌شود. بدین ترتیب که مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود.

از طرفی دیگر باید اذعان داشت مرتکبی که با سوءاستفاده از آسیب‌پذیری شخص ناتوان ذهنی، وی را آماج جرم خود بر می‌گزیند نسبت به مرتکبی که علیه فرد غیر آسیب‌پذیر مرتکب جرم شده به یقین باید مجازات شدیدتری را متحمل شود. در جرائم علیه اموال به ویژه در مورد کلاهبرداری که در تحقق آن علاوه بر صحنه‌سازی‌های متقلبانه، اغفال بزهدیده نیز ضرورت دارد، بزهدکار ترجیح می‌دهد که این جرم را علیه فرد مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی که دارای بهره هوشی پایین‌تر از متوسط است مرتکب شود و شیوه آسان‌تری را در فریب‌دادن بزهدیده به کار گیرد و مسلماً اگر این جرائم علیه این گروه از اشخاص اتفاق افتد، قطعاً از شدت و حدت بیشتری برخوردار بوده، زیرا که منجر به ناتوانی مضاعف بزهدیده می‌شود. متأسفانه در حقوق کیفری ایران این مورد درخور توجه قانونگذار نبوده و موجبات یکی از خلأها و چالش‌های قانونی را فراهم آورده است (۲).

۴-۱-۲. حمایت از بزهدیدگان ناتوان ذهنی در قوانین

شکلی ایران: پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حقوق این افراد و برآورده کردن نیازهای بزهدیدگان خاص و تسهیل در امر دادرسی، حمایتی حقوقی است که در قوانین شکلی پیش‌بینی شده و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز برخلاف قانون سابق به حمایت از بزهدیدگان خاص ناتوان پرداخته است.

غیر رشید» در این ماده از توجه آگاهانه قانونگذار به «بزهدیده ناتوانان ذهنی» حکایت می‌کند. عبارت «ضعف نفس» در لغت به معنای «ناتوانی روحی روانی» و «بی‌ارادگی» آمده (۱۸) و درباره لفظ «غیر رشید» بر پایه ملاک‌های حقوق مدنی به معنای «سفیه»، یعنی کسی که تصرف او در اموالش اغلب عقلانی نیست، به کار می‌رود (۱۹). واژه «افراد» در این عبارت نشان می‌دهد که معنای عام این لفظ (که دیوانگان را به منزله «ناتوانان روانی» نیز دربر می‌گیرد) مورد نظر قانونگذار بوده است (۲).

اخذ نوشته یا سند از شخص آسیب‌پذیر بنا به ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی که یک نوع حمایت کیفری از مصداق بزهدیده ناتوان ذهنی می‌باشد، لازم نیست که دربردارنده ضرری بالفعل برای بزهدیده آسیب‌پذیر باشد و به طور مستقیم موجب ورود ضرر به وی شود، بلکه همین که ارتکاب عنصر مادی این جرم، یعنی اخذ نوشته یا سند واقع گردد، مشمول حکم این ماده قرار خواهد گرفت. قلمرو حمایتی این ماده به گونه‌ای گسترده شده که لازم نیست ضرر بالفعل باشد و در صورتی که ضرر بالقوه باشد که احتمالاً در آینده ممکن است منجر به ورود ضرر بالفعل به وی شود نیز می‌تواند مشمول حکم جرم ماده مذکور گردد که این حاکی از حمایت موسع مقنن از بزهدیده ناتوان و آسیب‌پذیر است، لیکن همان‌گونه که بیان شد، این حمایت کیفری ضابطه‌مند نبوده و در قانون مجازات اسلامی صرفاً به صورت پراکنده و نادر شاهد آن هستیم. از طرف دیگر، بخش انتهایی ماده ۵۹۶ قانون مذکور مقرر داشته که چنانچه مرتکب دارای سمت ولایت یا قیمومت یا وصایت بر آن شخص باشد مجازات وی تشدید خواهد شد. بنابراین در این قسمت شاهد رویکرد افتراقی قانونگذار هستیم و این مورد از جهات مشدده کیفر در نظر گرفته شده تا از ناتوانان در برابر جرائم ارتكابی از سوی کسانی که تکلیف اعمال نظارت و مراقبت بر آنان را دارند و از این مقام سوءاستفاده می‌کنند، به صورت شدیدی حمایت شود (۲).

با این وجود در برخی از موارد، موادی در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی گردیده که از شرایطی نابرابر حکایت دارد، اگرچه نمی‌توان از آن به عنوان چالش یاد نمود، لکن بیان آن

۴-۱-۲-۱. **قانون توان‌بخشی مصوب سال ۱۹۷۳:** قانون توان‌بخشی سال ۱۹۷۳ جایگزین قانون توان‌بخشی حرفه‌ای می‌شود تا مجوز کمک‌های مالی به ایالات متحده برای خدمات توان‌بخشی حرفه‌ای را به دلایل ذیل گسترش داده و تجدید نظر کند.

- تأکید ویژه بر خدمات به کسانی که دارای معلولیت شدیدتر هستند.

- گسترش مسئولیت‌های ویژه فدرال و برنامه‌های تحقیقاتی و آموزش و پرورش در خصوص افراد معلول.

- ایجاد مسئولیت‌های ویژه برای وزارت بهداشت، آموزش و رفاه در خصوص افراد معلول (۶).

۴-۱-۲-۲. **قانون اشخاص آمریکایی مبتلا به ناتوانی مصوب سال ۱۹۹۰:** قانونی است که تبعیض در مراحل دادرسی کیفری بر مبنای معلولیت ذهنی را ممنوع می‌سازد. این قانون همانند قانون مدنی مصوب سال ۱۹۶۴ که تبعیض بر مبنای نژاد، جنسیت و دین را ممنوع و با تبعیض علیه معلولین بزه‌دیده، خاصه معلولین ذهنی در فرآیند دادرسی کیفری مخالفت می‌کند، لکن برخلاف قانون مدنی، کارفرمایان بیمه شده را ملزم می‌سازد تا برای کارمندان دارای معلولیت، محل کار و جایگاه شغلی منطقی و سازگار با شرایط فرد فراهم آورند و همچنین ملزومات در دسترس را نیز در محل‌های عمومی فراهم کنند.

۴-۱-۲-۳. **قانون تحصیل افراد دارای معلولیت مصوب سال ۱۹۹۰:** این قانون یکی از قوانین مهم آمریکا است که کاهش بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان و گرایش آن‌ها به تحصیل را تضمین می‌کند تا محصلان دارای معلولیت، برخوردار از آموزش عمومی مناسب و متناسب با نیازهای فردیشان باشند. هدف از این قانون، فراهم‌آوردن فرصت برابر برای معلولین جهت تحصیل، همانند افراد غیر معلول است تا از میزان بزه‌دیدگی آنان جلوگیری گردد (۹).

۴-۱-۳. **حمایت از بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی در پرتو اسناد بین‌المللی:** تدوین مقررات بین‌المللی و فراملی در جهت حمایت از حقوق معلولین خاصه معلولان یا ناتوانان

قانونگذار با تصویب «قانون جامع حمایت از معلولین در سال ۱۳۸۳» اقدام مهمی در رابطه با حمایت از حقوق معلولین او ناتوانان ذهنی [برداشت. در حقوق ایران و در ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳ مقرر داشته: سازمان بهزیستی کشور موظف است با ایجاد سازوکار مناسب، نسبت به قیومت افراد معلول اقدام نماید، دادگاه‌ها موظفند در نصب یا عزل قیوم افراد معلول صرفاً از طریق سازمان مذکور عمل و مبادرت به صدور حکم نمایند. مطابق تبصره ۱ این قانون سازمان بهزیستی کشور موظف است جهت دفاع از حقوق افراد معلول، در محاکم قضایی وکیل تعیین نموده و به دادگاه معرفی کند و بر اساس تبصره ۲، سازمان مذکور مجاز است در موارد ضروری جهت حمایت و جلوگیری از تضييع حقوق معلولین بی‌سرپرست به نمایندگی از آن‌ها در دادگاه‌ها طرح دعوا و دادخواهی نماید. همچنین مقنن در اقدامی به جا و شایسته در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به بزه‌دیده ناتوان ذهنی توجه داشته و بیان داشته است: سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم نموده و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند. همچنین حمایت تقنینی قانونگذار از بزه‌دیده ناتوان ذهنی در ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ گسترده‌تر گشته و نگرانی تعقیب دعوی کیفری در خصوص حفظ حقوق بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی را مرتفع نموده و مجوز تعقیب متهم را توسط دادستان با جلب موافقت بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی با وضع ماده فوق‌الاشعار فراهم نموده است.

۴-۱-۲-۴. **حمایت از بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی در قوانین ایالات متحده آمریکا:** در این مبحث به مهم‌ترین قوانین و لوایح در خصوص افراد ناتوان ذهنی در حقوق آمریکا اشاره می‌نماییم.

ذهنی، نشان‌دهنده تغییر اساسی در رویکرد سنتی نسبت به گروه فوق می‌باشد. در یک نگاه می‌توان ادعا کرد که «کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول» مصوب ۲۰۰۶ که یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی در راستای حمایت از حقوق معلولان بوده، گامی به سوی ارتقا و توسعه موازین حقوق بشر تلقی می‌گردد. کنوانسیون حقوق اشخاص معلول با یک دیباچه نسبتاً طولانی در ۲۵ بند، ضمن تأکید بر حقوق و آزادی‌های اساسی بشر در تلاش است تا معلولین را مورد حمایت خاص خود قرار دهد. در واقع دستگیری از افراد معلول (که شامل ناتوانان ذهنی هم می‌گردد) نه از باب ترحم، بلکه از منظر حقوق و در قالب سندی بین‌المللی محقق گردید. اهداف بلندپروازانه این کنوانسیون نوید بخش شناسایی حقوق این افراد در پهنه حقوق بین‌الملل می‌باشد. کنوانسیون ۲۰۰۶ حقوق جدیدی به حقوق شناخته‌شده در اسناد حقوق بشری اضافه نمی‌کند، بلکه بیشتر بر تضمین و رعایت و احترام به حقوق موجود تأکید دارد (۲۰). این کنوانسیون در سال ۱۳۸۷ به تصویب دولت جمهوری اسلامی ایران رسیده است و مفاد آن به استناد ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین عادی محسوب می‌شود.

در سال ۱۹۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب «اعلامیه رشد و پیشرفت ملل» به طور خاص بر حمایت از ناتوانان تأکید نمود و مهم‌ترین گام در راستای ارتقای حمایت بین‌المللی از ناتوانان ذهنی، اعلامیه مجمع عمومی با عنوان «اعلامیه حقوق عقب ماندگان ذهنی» مشتمل بر هفت ماده مصوب ۱۹۷۱ می‌باشد (۸).

در واقع اوج گسترش و توسعه حقوق افراد معلول در عرصه بین‌المللی با تصویب اعلامیه حقوق افراد عقب‌مانده ذهنی مصوب ۱۹۷۱، اعلامیه حقوق اشخاص معلول ۱۹۷۵ و اعلامیه سال ۱۹۸۱ به عنوان سال جهانی معلولین و اختصاص دهه ویژه برای معلولین ۹۲-۱۹۸۳ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد شکل یافته است (۲۱).

در طول عمر سازمان ملل متحد اقدامات زیادی در خصوص حمایت از معلولین صورت گرفته که البته این امر جدا از اهداف اصلی آن سازمان نیست. اصل برابری یکی از مهم‌ترین

اصولی است که بر ایجاد سازمان ملل متحد حاکم بوده و رعایت آن در تمام زمینه‌ها برای همگان مورد توجه قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در دیباچه خود بر «حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان» تأکید می‌کند و آن را «اساس آزادی، عدالت و صلح» در جهان می‌داند. ماده ۱ اعلامیه مزبور مقرر می‌دارد که «تمام افراد بشر از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند...» و در ادامه، ماده ۲ اعلامیه مزبور اشعار می‌دارد که «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد...» لازم به ذکر است که موارد فوق به طور مستقیم و غیر مستقیم در سایر اسناد حقوق بشری نیز درج شده‌اند (۲۲). در ارتباط با مفاد اعلامیه‌های فوق که همگی جز اسناد غیر الزام‌آور محسوب می‌شوند، باید دقت داشت که اولاً در بسیاری موارد اعلامیه‌های غیر الزام‌آور در واقع بیان قواعد عرفی و یا اصول حقوقی موجود می‌باشند. همچنین اعلامیه‌های مزبور نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت و همگرایی در فضای روابط بین‌الملل و حقوق بشر ایفا می‌کنند (۲۳).

۴-۲. حمایت و خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی در سایه پشتیبانی سازمان‌ها و نهادها در حقوق ایران و آمریکا: از آنجا که وجود نهادهای متولی خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان امری مهم و حیاتی تلقی می‌گردد، نگارندگان در مبحث حاضر، حمایت و خسارت‌زدایی از ناتوانان ذهنی در سایه پشتیبانی سازمان‌ها و نهادها در حقوق ایران و آمریکا را به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌دهند.

۴-۲-۱. سازمان‌ها و نهادهای حمایت‌کننده از بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی در حقوق ایران: یکی از اصلی و کلیدی‌ترین سازمان‌های حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر که ناتوانان ذهنی را نیز شامل می‌گردد، سازمان بهزیستی می‌باشد که با صلاحیت‌ها و وظایف فراگیری که دارا می‌باشد، در ایران از مهم‌ترین

۴-۲-۱. انجمن آمریکایی در زمینه ناتوانی رشد و ذهن: این سازمان یک انجمن آمریکایی غیر انتفاعی و حرفه‌ای است که در حوزه معلولیت فکری و ناتوانی‌های مربوط به رشد فعالیت می‌کند. این سازمان در سال ۱۸۷۶ میلادی در واشنگتن دی‌سی آمریکا تأسیس شده و در بیش از پنجاه کشور دیگر عضو دارد.

۴-۲-۲. انجمن آمریکایی افراد معلول: این انجمن یک سازمان غیر انتفاعی است که از حقوق قانونی افراد معلول حمایت می‌کند. این سازمان در سال ۱۹۹۵ میلادی تأسیس گردید. این انجمن، مجری اتصال‌دهنده و واسطه‌ای برای تغییر، افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی افراد دارای معلولیت است (۹).

۴-۲-۳. ائتلاف آمریکایی شهروندان معلول: ائتلاف آمریکایی شهروندان معلول یک سازمان حمایت از معلولین بوده که دوره فعالیت آن از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت و در این زمان به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافت. این ائتلاف در ابتدا به صورت چندین سازمان مختلف بوده که بعدها شکل ائتلاف به خود گرفتند و اولین سازمانی بود که در سال ۱۹۷۰ برای حمایت‌های اجتماعی از ناتوانان ذهنی تأسیس گردید (۶).

۴-۲-۴. بهترین دوستان بین‌المللی: یک سازمان غیر انتفاعی آمریکایی است و دارای داوطلبانی بوده که برای ایجاد فرصت برای افراد مبتلا به معلولیت‌های فکری و رشدی تلاش می‌کنند. هدف اصلی این برنامه آنست که داوطلبان بتوانند با یکی از دوستانشان که دارای معلولیت فکری و رشدی هستند، گروهی را تشکیل داده و یک دوست یا مربی برای آن‌ها فراهم کنند. این جنبش جهانی در سال ۱۹۸۹ میلادی در آمریکا تأسیس و هم‌اکنون بیش از ۵۴ کشور جهان را دربر داشته و به یکی از مهم‌ترین نهادهای حمایت از بزهدیدگان ناتوان ذهنی نیز مبدل گشته است.

۴-۲-۵. اتحاد ملی بیماری‌های روانی: سازمان فوق‌الذکر یک سازمان غیر انتفاعی و حمایت ملی آمریکایی است که در سال ۱۹۷۹ برای افراد تحت تأثیر بیماری‌های

نهادهای حامی حقوق اشخاص فوق می‌باشد. برابر ماده ۳ قانون جامع حمایت از معلولین، سازمان بهزیستی کشور موظف به انجام اقدامات زیر می‌باشد: ۱- تأمین خدمات توان‌بخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه‌آموزی مورد نیاز معلولان با مشارکت خانواده‌های معلولان و همکاری بخش غیر دولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه) و پرداخت یارانه (کمک هزینه) به مراکز غیر دولتی و خانواده‌ها؛ ۲- گسترش مراکز خاص نگهداری، آموزشی و توان‌بخشی معلولان واجد شرایط (معلولان نیازمند، معلولان بی‌سرپرست، معلولان مجهول‌الیهویه، معلولان با ناهنجاری‌های رفتاری) با همکاری بخش غیر دولتی و پرداخت تسهیلات اعتباری و یارانه (کمک هزینه) به آن‌ها؛ ۳- تأمین و تحویل وسایل کمک توان‌بخشی مورد نیاز به افراد معلول؛ ۴- گسترش کارگاه‌های آموزشی، حمایتی و تولیدی معلولان و ارائه خدمات توان‌بخشی حرفه‌ای به معلولان جهت توانمندسازی آنان. (۲۴)

بی‌شک لزوم تأسیس تعداد بیشتری از نهادهای متولی امر، به منظور حمایت از بزهدیدگان آسیب‌پذیر، خاصه ناتوانان ذهنی، امری حائز اهمیت بوده که متأسفانه در حقوق ایران کمتر بدان توجه گردیده و سازمان بهزیستی تنها سازمان متولی حمایت از این قشر خاص بوده که همین امر موجبات چالش‌ها و کم‌توجهی به قشر فوق را فراهم آورده است.

۴-۲-۲. حمایت و خسارت‌زدایی از بزهدیدگان ناتوان ذهنی توسط سازمان‌ها و نهادها در حقوق ایالات متحده آمریکا: به طور کلی بخش عمده حمایت‌های دولتی یا سازمان‌های مردم‌نهاد مربوط به عموم قربانیان و بزهدیدگان است اعم از بزهدیدگان سالمند، کودک، ناتوان ذهنی یا جسمی و دیگر موارد. در این میان، قوانین، سازمان‌ها و مؤسسات حمایتی نیز وجود دارند که توجهشان را خصوصاً بر افراد ناتوان ذهنی و یا بزهدیدگان دارای ناتوانی ذهنی معطوف نموده‌اند. بنابراین اسامی تعدادی از سازمان‌های حامی و خیر در ایالات متحده آمریکا که به افراد معلول خدمت‌رسانی می‌کنند، به شرح لیست ذیل احصا می‌گردند:

معلولان مصوب ۱۳۸۳ و در زمینه قوانین شکلی مواد ۶۶ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را وضع نموده است. از طرفی دیگر قانونگذار ایالات متحده آمریکا نیز با وضع قوانینی از جمله «قانون توان‌بخشی مصوب سال ۱۹۷۳»، «قانون اشخاص آمریکایی مبتلا به ناتوانی مصوب سال ۱۹۹۰» و همچنین «قانون تحصیل افراد دارای معلولیت مصوب سال ۱۹۹۰» و تأسیس نهادهایی با عناوین «انجمن آمریکایی در زمینه ناتوانی رشد و ذهن»، «انجمن آمریکایی افراد معلول»، «ائتلاف آمریکایی شهروندان معلول»، «بهترین دوستان بین‌المللی»، «اتحاد ملی بیماری‌های روانی» و همچنین «مرکز حمایت از معلولین ذهنی» توانسته است گامی ارزشمند در راستای حمایت از بزهدیدگان ناتوانان ذهنی بردارد. اسناد بین‌المللی تصویب‌شده در زمینه حمایت فراملی از این قشر از بزهدیدگان نیز شامل «کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول مصوب ۲۰۰۶»، «اعلامیه رشد و پیشرفت ملل مصوب ۱۹۶۹» و همچنین «اعلامیه حقوق عقب ماندگان ذهنی مصوب ۱۹۷۱» می‌باشد. با مذاقه در نتایج تحقیقات صورت گرفته و نتایج آنان در زمینه موضوع مقاله، راهکارهای زیر می‌تواند برای رفع خلأهای قانونی و دستیابی بزهدیدگان ناتوان ذهنی به حقوق خود در حقوق کیفری راهگشا باشد.

بدین صورت که حقوق کیفری باید از مجرای جرم‌انگاری‌های خاص و دقیق، با توجه به میزان و نوع آسیب‌پذیری ناتوانان ذهنی، استفاده نموده و اقسام سوءرفتارها را جرم‌انگاری و سپس با تعیین مجازاتی درخور، از ظرفیت خود در راستای حمایت از ناتوانان ذهنی استفاده نموده و ضمانت اجراهای مناسبی را در نظر بگیرد.

خطیربودن مسأله آن گاه است که مرتکبین، کماهو حقه مجازات نشوند و سوءرفتارهای آنان حداکثر به عنوان منحرف تلقی شود، چراکه واکنش‌های مدنی علیه آنان، به تنهایی کافی نیست، زیرا عامل مؤثر و عاجلی نیست همه این‌ها نتیجه غفلت مقنن، از اتخاذ سیاست کیفری متناسب است و این غفلت در طولانی مدت، موجبات بزهدیدگی مکرر افراد ناتوان ذهنی را فراهم می‌کند.

روانی جدی و همچنین خانواده‌های آنان تأسیس گردید. این سازمان، از ۲۰۰/۰۰۰ عضو داشته و در هر ۵۰ ایالت آمریکا دارای دفتر و در سراسر ایالات متحده نیز ۱۲۰۰ شعبه دارد (۱۰).

۴-۲-۲-۶. مرکز حمایت از معلولین ذهنی: این مرکز یک سازمان بین‌المللی حقوق بشر است که در سال ۲۰۰۲ در مجارستان تأسیس شده است. تلاش این سازمان در جهت پیش‌راندن حقوق کودکان و بزرگسالان با ناتوانی‌های یادگیری، فکری، روانی - اجتماعی (سلامت روان) و پیشگیری از بزهدیدگی آنان می‌باشد (۱۶).

نتیجه‌گیری

با مروری اجمالی بر قوانین کیفری آشکار شد که این قوانین داخلی از جهت مقررات حمایت از بزهدیدگان ناتوان ذهنی، با کمبودها و چالش‌های فراوانی مواجه است. از طرفی دیگر، تابعان حقوق کیفری نیز در ادراک سیاست کیفری ما در مواجهه با موضوع مذکور، سخت دچار ابهام خواهند شد، چراکه قانونگذار در وضع قوانین مرتبطه، با انسجام و اسلوب واحد و جهتی مشخص عمل نموده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز همین رویه وجود دارد، هرچند نسبت به قوانین پیشین، توجه و عنایت بیشتری داشته، لکن بزهدیدگان ناتوان، خاصه ناتوانان ذهنی را به صراحت مورد توجه قرار نداده و حقوق خاص و جداگانه‌ای را برای آن‌ها در نظر نگرفته و این امر ضرورت توجه قانونگذار و لزوم به کارگیری سیاست جنایی تقنینی مبنی بر حمایت افتراقی را نشان می‌دهد. بدین منظور حساس‌سازی حقوق کیفری در مورد جرائم ارتكابی علیه بزهدیدگان ناتوان ذهنی، حائز اهمیت است. بنابراین با توجه به نتایج به دست‌آمده از این تحقیق محرز گردید مقنن در راستای حمایت از حقوق بزهدیدگان ناتوان، با بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علم جرم‌شناسی و بزهدیده‌شناسی، در قوانین ماهوی مقرره‌هایی از جمله بند «پ» ماده ۲۹۰، مواد ۶۳۳ و ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و همچنین قانون جامع حمایت از

خواهیم شد، به چالش کشیده‌شدن «حکومت قانون» و عناصر آن می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

مهدی داودی: نگارش مقاله، فیش‌برداری مطالب، جمع‌آوری منابع.

مهدی کاظمی جویباری و حسن حاجی‌تبار فیروزجانی: نظارت راهنمایی در نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

در راستای این حمایت، از طریق جرم‌انگاری اصولی، نباید از اهمیت حقوق شکلی نیز غافل شد. پرواضح است که در مراحل کشف و تعقیب و تحقیق در مورد جرائم علیه ناتوانان ذهنی و حتی تشریفات رسیدگی و حقوق خاص این دسته از قربانیان، بسیار مهم و درخور توجه است، چه اینکه فی‌المثل نحوه رفتار ضابطین با آنان و توجه به موقعیتشان، نیازمند آموزش و پرورش ضابطین متخصص است تا با رعایت این مسائل، حجم بزه‌کاری علیه این قشر کاهش یابد.

از سویی دیگر، دولت‌ها علاوه بر اقدامات داخلی در حوزه آموزش و پیشگیری و تقنین و اجرا، می‌توانند اقدامات مهمی در سطح بین‌المللی بردارند، به این معنا که با عضویت و الحاق به کنوانسیون‌های یادشده، تدابیری ملی و بین‌المللی اتخاذ کنند، چه اینکه جامعه جهانی نیز دقیقاً برای تحقق همین اهداف بوده که کنوانسیون‌های متعدد و جامعی را جهت حمایت از حقوق این قشر تدوین و تصویب کند.

بدیهی است که صرف عضویت در مجامع مرتبطه، مؤثر نبوده و دولت‌ها باید با عزمی راسخ جهت اجرای نمودن و به کار بستن راهکارهای ملی و بین‌المللی، از حقوق این قشر دفاع نمایند و با اقدامات برنامه‌ریزی‌شده و تهیو و فراهم‌نمودن بستر اجرای قوانین و تمتع ناتوانان ذهنی از حقوق خود، به تعهدات خویش عمل نمایند. همچنین نیل به این اهداف، نیازمند بازنگری‌های دقیق و تکمیل قوانین و مقررات ملی، از حیث مطابقت با کنوانسیون‌ها و بهبود آن‌ها است.

نکته‌ای که در پایان باید به آن اشاره داشته باشیم، این است که اصولاً وجود فضای سکوت، اجمال، تعارض و تزاخم در قوانین باعث می‌شود که جزمیت حقوقی و شفافیت حقوقی با چالش اساسی مواجه شود. این دو موضوع (یعنی جزمیت و شفافیت) در واقع دو عنصر اصلی «حکومت قانون» که اساس اصلی هر نظام حقوقی می‌باشد، محسوب می‌شوند. چنانچه قانونگذار در جهت رفع چالش‌های موجود در ارتباط با حمایت حقوقی مطلوب از بزه‌دیدگان ناتوان ذهنی حرکت نکند، اصلی‌ترین مشکلی که در نظام حقوقی ایران با آن مواجه

References

1. Aaghalar S, Khosroshahi G. The Impact of Supportive victimology Doctrines and Criminal Produr Development on International Document. *Isfahan Police Scinece Quarterly*. 2018; 3(17): 46-62. [Persian]
2. Zakavi M. Specific victims in the light of supportive victimology. 1st ed. Tehtan: Majd Publications; 2011. p.120, 127, 132. [Persian]
3. Keynia M. *Fondements de Criminologie*. 1st ed. Tehran: University of Tehran Press; 1991. Vol.1 p.122. [Persian]
4. Samavati-Pirouz A. Disabled victims, from criminological requirements to criminal laws and regulations. *Legal Journal of Justice*. 2005; 52-53: 119-168. [Persian]
5. Hajitabar-Firouzjai H. Differential support theory. 1st ed. Tehran: Jungel Publications; 2012. p.12, 101. [Persian]
6. Dignan J. *Understanding Victims and Restorative Justice*. 1st ed. Paris: Open University Press; 2005. p.44, 87, 89.
7. Mirkhani M. Basics of rehabilitation. 1st ed. Tehran: State Welfare Organization of Iran Publications; 1999. p.56. [Persian]
8. Kamali M. The Review on Rights of Disabled Children. *Social Welfare Quarterly Magazine (University of Social Welfare and Rehabilitation sciencess)*. 2003; 2(7): 93-110. [Persian]
9. Kosovski E. Minorites as Victims: Pride and Prejudice. In: *Victims and Criminal Justice*. Freiburg: Criminological Research Report by the Max-Planck Institute; 1991. Vol.51 p.114, 118, 146, 163.
10. Bassiouni MC. *The Protection of Human Rights in the Administration of Criminal Justice*. Geneva: Transnational Pubication-Centre for Human Rights UN; 1994. p.33, 69.
11. Rayejian-Asli M. *Protective Victimology*. 2nd ed. Tehran: Dadgostar Publications; 2011. p.100. [Persian]
12. Tavajohi A. The idea of supporting the victims and its place in the scope of Iran's legislative criminal policy. 1st ed. Tehran: Samt Publications; 2004. p.135. [Persian]
13. Alavi SH. Non-Governmental Organization to People with Disabilities Empowernment or Require Building. *The Judiciary Law Journal [Tehran]*. 2005; 2(14): 69-76. [Persian]
14. Erez E. Victim Participation in Sentencing, Sentence Outcome and Victim's Welfare. In: *Victims and Criminal Justice*. Freiburg: Criminological Research Report by the Max-Planck Institute; 1991. Vol.51 p.74, 76.
15. Carrabine E, Paul I, Maggy L, Ken P, Nigel S. *Criminology A Sociological Introduction*. 1st ed. London and New York: Routledge Publications; 2004. p.51.
16. Kuhner TK. The Status of Victims in the Enforcement of International Criminal Law. *Oregon Review of International Law*. 2004; 95(31): 104-116.
17. Bachrach M. The Protection and Rights of Victims under International Criminal Law. *International Lawyer Journal*. 2000; 34(1): 71-86.
18. Anvari H. *Intensive speech culture*. 1st ed. Tehran: Sokhan Publications; 2003. Vol.1 p.1499. [Persian]
19. Langroudi MJ. *Terminology Hoghough*. 22th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2009. p.492. [Persian]
20. Nabati N. Support for persons with disabilities in the international human rights system. 3rd ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2010. p.52. [Persian]
21. Mossafa N. International measures to protect the rights of people with disabilities. *Journal of Faculty of Law and Political Sciences*. 2002; 2(58): 253-270. [Persian]
22. Ramezani MH. Protection of the disabled in international law. *Social Welfare Quarterly Magazine (University of Social Welfare and Rehabilitation Sciencess)*. 2011; 11(41): 307-341. [Persian]
23. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law. Ph.D. Dissertation. Tehran: Islamic Azad University; 2020. p.325. [Persian]
24. Najafi Abarnadabadi AH. From victim-oriented criminal law to restorative justice. 1st ed. Tehran: Khate Sevom Publications; 2002. p.203. [Persian]